

روایت محبوبی اردکانی از تجهیز آتش نشانی تهران در تاریخ معاصر

## اطفائیه نو

آتش نشانی در تاریخ معاصر ایران، از پیش از شکل گیری تا پیدایش و گسترش فعالیت‌ها همواره وضعیتی ویژه داشته است. آنگونه که اسناد و روایت‌های تاریخی نشان می‌دهند، نخستین ایستگاه آتش نشانی ایران، نه در پایتخت به سنت رایج پیش‌تر دگرگونی‌ها و فناوری‌های نوین، که در تبریز برپا شده است. روس‌های حاضر در تبریز، در واپسین دهه حکومت قاجار در ایران، نخستین تشکیلات خاموش کردن آتش را در این شهر بنیان گذاردند. این تشکیلات چندی بعد به کوشش قاسم خان والی، حکمران تبریز گسترش یافت. برج آتش‌نشانی یانقین در تبریز، نماد نخستین کوشش‌ها در زمینه پیدایش آتش‌نشانی نوین در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. باز همچون پیدایش بسیاری دیگر از مظاهر نوین زندگی در تاریخ معاصر ایران، کوشش بعدی در مناطق نفت‌خیز جنوب شکل گرفت؛ آنجا که شرکت نفت ایران و انگلیس، زمینه حضور نیروهای انگلیسی را مهیا کرده بود. آنان برای نگهداری و مراقبت تأسیسات نفتی در مناطقی چون آبادان و مسجدسلیمان، واحدهایی برای مهار آتش پدید آورده بودند. تهران پس از این هاسومین مرکزی بود که به راه‌اندازی اطفائیه روی آورد. این رخداد اما به آسانی شکل نگرفت. پس از چند مورد آتش‌سوزی در پایتخت و انتقادهایی بسیار که بر بلدیة تهران وارد شد، بلدیة در نخستین سال‌های حکومت پهلوی اول بر آن شدد اداره اطفائیه را با تجهیزات ابتدایی مهار آتش راه اندازد. آتش‌سوزی‌های بعدی در تهرانی که روه‌سوی پیشرفت و توسعه داشت، باز منتقدان را بر آن داشت نسبت به تجهیزات ناکافی و اولیه این اداره هشدار دهند. نخستین تجهیزات مدرن آتش‌نشانی به کوشش بلدیة تهران در میانه دهه ۱۳۲۰ از اروپا به ایران وارد شد. ۱۵ دستگاه ماشین اطفائیه‌نوا آماده کار، سه دستگاه‌بنز مرسدس، ۴ دستگاه‌اشکودا، دو دستگاه پورسکان آ.گ. و چهار دستگاه موتور پمپ، نخستین تجهیزات اطفائیه‌تارمینیاتیاپتخت‌به شمار می‌آیند. در همان سال‌ها چندین دستگاه خودروی آب‌پاش به همراه یک فرزند کشتی اطفائیه‌از کشور آلمان خریداری شد.

ایستگاه‌های آتش‌نشانی اما به‌کندی در تهران پدید آمدند. پایتخت تا نخستین سال‌های دهه ۳۰ خورشیدی تنها یک مرکز آتش‌نشانی داشت که در میدان حسن آباد بود. شهرداری تهران، ایستگاه‌های آتش‌نشانی را در سال ۱۳۳۳ خورشیدی گسترش داد و چند ایستگاه تازه در مناطق جنوب و شمال تهران پدید آمد.

حسین محبوبی اردکانی در کتاب «ارزشمند» تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران» روایتی مستند و دقیق از توسعه تجهیزات آتش‌نشانی تهران در دوره پهلوی دوم ارائه داده است «برای تکمیل وسایل آتش‌نشانی و موتور پمپ هم چون کارخانه ارج در تهران ماشین‌های مزبور را از روی مدل ماشین‌های خارجی می‌ساخت، لذا قرارداد ساختن چهار دستگاه تاکر و موتور پمپ با کارخانه ارج امضاء شد و چهار دستگاه شاسی هم از طرف اداره آتش‌نشانی تحویل کارخانه مزبور گردید. و نیز قرار شد که به نسبت احتیاج هر محل کلیه وسایل در شعبه‌ها متمرکز شود. در شهریور ۴۴ برای نجات حریق زدگان و محاصره‌شدگان در آتش، اداره آتش‌نشانی شهرداری تهران لباس ضد حریتی که در ۱۲۰۰ درجه حرارت و آتش می‌تواند سه دقیقه مقاومت نماید وارد کرد و این لباس از آن مورد استفاده ماموران آتش‌نشانی قرار گرفت.»

وی سپس به گسترش شعبه‌های آتش‌نشانی در تهران و خرید دیگر تجهیزات نو و مدرن از کشورهای گوناگون در اواخر دهه ۳۰ خورشیدی می‌پردازد «در اردیبهشت ۳۷ سه قطعه زمین: یکی در برزن، ۲۰ دیگری در میدان امین‌السلطان و سومی در خیابان شهناز برای تأسیس شعبات آتش‌نشانی در نظر گرفته شد و برای تکمیل وسایل اطفاء، حریق این شعبات چهار دستگاه ماشین‌های مجهز به موتور پمپ و منبع آب از آلمان خریداری شد. همچنین شش دستگاه مجهز از آمریکا خریداری شد و شعبه اطفاء، حریق شمیران هم تکمیل و چند دستگاه ماشین در انجام تمرکز گردید که کمتر احتیاج به اداره مرکزی داشته باشند.»

آنگونه که بررسی‌های این پژوهشگر و تاریخ‌نگار نشان می‌دهد بازار تهران تا سال ۱۳۴۹ ایستگاه آتش‌نشانی نداشته است «کنون بازار تهران نیز دارای ایستگاه آتش‌نشانی است چه از آبان ۴۹ به این طرف ۴۸ مامور و ۸ دستگاه اتومبیل آتش‌نشانی برای مراقبت در اطفاء حریق بازار مامور شده‌اند که باید در تمام ۲۴ ساعت آماده کار باشند. ایستگاه بازار در زمینی به مساحت تقریبی ۱۴۰۰ متر ساخته شده است، بعلاوه اکنون مدتی است که اداره آتش‌نشانی مجهز به وسایل و مواد شیمیایی لازم جهت خاموش کردن آتش گردیده است. از جمله تعدادی دستگاه‌های مولد کف که می‌تواند حریق بنزین و مواد محترقه دیگر را خاموش کند.»

شهرداری تهران در همان سال‌ها باز برای تجهیز بیش‌تر آتش‌نشانی بودجه‌هایی اختصاص داد و تجهیزات نو از کشور چکسلواکی به ایران وارد شد. آن تجهیزات که در سال ۱۳۴۷ به ایران رسیدند «سکوی آتش‌نشانی، جرثقیل و ماشین‌های کف‌ساز» بودند. هشت کامیون ویژه آتش‌نشانی نیز از همان کشور خریده شد که دستگاه مخصوص ایجاد کف ضد آتش به ظرفیت دوپست لیتر و تاکرهای آب به ظرفیت ۳۵۰ لیتر و پمپ‌های بسیار نیرومند داشتند. آنگونه که محبوبی اردکانی روایت کرده است کامیون‌های یادشده «وسایل کمک‌های اولیه، افزاینده‌های موتور حریق، لباس‌های نسوز آلومینیومی، ماسک‌های ضد دود و نوارفکن‌های قوی، اره، لوله‌های آتش‌نشانی، قفل‌بر، کپسول‌های آتش‌نشانی» داشتند که ماموران هم‌زمان می‌توانستند از آن‌ها بهره‌برگیرند.



مأموران آتش‌نشانی با یک کامیون

رخدادنگاری آتش‌سوزی‌های بزرگ تهران در دوره‌های پهلوی اول و دوم

# آتش در لاله‌زار



ایستگاه آتش‌نشانی آبادان

قرار گرفت. مامورین اطفائیه فورا تلمیه‌های اطفائیه را روی عمارت قرار داده و در موقعی که شعله‌های آتش هر ثانیه بلندتر میشد و طالار بزرگ جلسه عمومی را تهدید میکرد مشغول کار شدند. اتاق‌های جلسه خصوصی و آیینه مجلس در این آتش‌سوزی آسیب بسیار دید و در آتش سوخت. اداره اطفائیه در این زمان در بلدیة تهران تشکیل شده بود و توانست در کم‌تر از سه ساعت آتش‌سوزی را چنین روایت کرده‌اند «بر این رخداد اما به بلدیة و حکومت یادآور شد که چنین دستگاہی باید از تجهیزات روز دنیا برای مهار آتش برخوردار باشد.

**تهران صنعتی و آتشی که جان می‌گرفت** به هر اندازه که پایتخت گسترش می‌یافت و بزرگ می‌شد، آتشی بیش‌تر بر جان ساختمان‌ها و شهروندان می‌افتاد. بررسی رخدادنگاری آتش‌سوزی‌های تهران از گسترش آتش‌سوزی‌ها در بناها و ساختمان‌های پایتخت در دهه‌های بعد آگاهی می‌دهند. این مساله با گسترش صنایع در شهر پیوند داشته است. آتش‌سوزی انبار باروت مهران در سه‌راه ضراب‌خانه و سپس کارخانه کبریت‌سازی در خیابان مخصوص به سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۲۷ خورشیدی، نخستین بار با تلفات بسیار همراه شدند. منابع تاریخی روایت کرده‌اند کارخانه کبریت‌سازی در خیابان مخصوص، بسیار گسترده بود و کشته‌هایی بسیار بر جای گذاشت. آتش بعدی پایتخت بر جان یک انبار پنبه در نزدیکی انبار غله افتاد. این آتش در سال ۱۳۳۴ خورشیدی با سرایت به موسسه دخانیات، آسیب‌ها و زیان‌هایی بسیار وارد آورد و بیش‌از ۵۰ کشته و زخمی همراه داشت.

### آتش بر جان همسایه پلاسکو

سال ۱۳۴۷ نام ساختمان پلاسکو تهران با یک آتش‌سوزی بزرگ بر سر زبان‌ها افتاد. نخستین ساختمان مدرن بلندمرتبه پایتخت

«استخلاص زن‌ها و اطفا حریق» بکوشند. ماموران نظمیة از آنجا که بیم مخاطره داشتند، سیم چراغ برق لاله‌زار را قطع کردند. آتش سالن نمایش در لاله‌زار پس از ساعتی بدون تلفات فروکشید و خاموش شد. آن آتش‌شداری برای بلدیة تهران و حکومت بود که تهران را به وجود دستگاه اطفائیه و ابزارهای اطفاء حریق، بسیار نیازمند می‌دید. مطبوعات آن دوره، این آتش‌سوزی را چنین روایت کرده‌اند «بر اثر اطلاعی که به بلدیة و قشون داده شده بود عده زیادی مامورین بلدیة و گردان مهندسی میان می‌آمد؛ که البته از نظر جغرافیایی در یک محدوده جای می‌گرفتند و بساز از نگاهی دیگر، هر سه نماد توسعه‌یافتگی پایتخت در دوره‌های پهلوی اول و دوم به شمار می‌آمدند. بررسی آتش‌سوزی‌های بزرگ تهران در دوره یادشده به یادمان می‌آورد که از زمان‌های نه‌چندان دور، آتش چگونه در کمین این شهر و مردمان‌اش نشسته است.

### نخستین آتش‌سوزی بزرگ تهران

یک آتش‌سوزی گسترده در خیابان لاله‌زار در نخستین سال‌های حکومت پهلوی اول، به سال ۱۳۰۷ خورشیدی در یک سالن نمایش فیلم، سرآغازی برای پیدایش اطفائیه نوین یا «ساختمان پلاسکو» آتش‌های تهران با این آتش‌نشانی در ایران به شمار آید. آن آتش‌سوزی، عصرگاهان در سالن مدرسه صنعتی در خیابان لاله‌زار، هنگامی رخ داد که فیلم در نمایش بود. گستره آتش‌سوزی به اندازه‌ای بود که در اندک‌زمانی سالن نمایش تالار کنار آن را فراگرفت. بانوانی بسیار برای تماشای یک تئاتر زنانه در آن سالن گردهم آمده بودند و به تعبیر روایتگران رخداد، سالن تئاتر از جمعیت «خوانین محترمه» سرشار بود. آتش‌سوزی به تندی وحشت و اضطراب را در میان خانم‌ها پدید آورد. در نبود نیروهای متخصص آتش‌نشان، ماموران نظمیة در لاله‌زار حضور یافتند تا برای

**علیرضا عسگری - دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ** میشل دودوک دو ویت، کارگردان هلندی اخیرا انیمیشنی به نام «لاک‌پشتی سرخ» تولید کرده است. استودیوی جیبلی غول تولید آثار تهنمی در قالب انیمیشن جیبلی از حامیان این فیلم به شمار می‌آید؛ استودیوی جیبلی هائو میازاکی پایه گذارده است. درباره جیبلی استودیو در فرصت‌های دیگر مفصل خواهیم نوشت زیرا آثار این استودیو، از تولیداتی سینماتیک و فلسفه و تاریخ به روایت پرده‌های سینما بسیار فراترند. لاک‌پشت سرخ اما بهانه‌ای برای آغاز یک بررسی است که در آن نشان می‌دهیم دنیای انیمیشن‌ها، اقیانوسی بی‌کران برای کار مورخان و ترفیع سطح آگاهی تاریخ‌نویسان و ایده‌یابی برای تاریخ‌پژوهان است. شاید بپرسید چگونه یک عالم در کسوت علم تاریخ می‌تواند از یک انیمه بهره‌بربرد؟ بگذارید در ابتدای بحث روشن کنم برخی از این آثار مستقیما به کار تاریخ‌نویسی به ویژه تاریخ‌نویسی اجتماعی و فرهنگی آمده و برخی دیگر با پرورش ذهن مورخ به مثابه فیلسوف، اندیشمند و از همه مهم‌تر انسان، غیر مستقیم به یاری عالمان می‌آیند.

تاریخ‌پخت‌های جیبلی استودیو و یک انیمه، صامت است، بدین معنا که دیالوگ ندارد. داستان قایقرانی تنها است که در دل طوفان، زورق‌اش

## لاک پشت سرخ

مورخان چگونه از دنیای انیمیشن بهره‌می‌برند



تنهایی باقی‌بماند. دلیلی دیگر نیز اما دارد که در این تنهایی نباشد؛ آیا تنهایی و لحظات تنهایی به دور از هیاهوی دنیای انسان‌ها و ماشین‌ها، فرصتی برای خودآگاهی و تفکر به دست نمی‌دهد؟ شاید به این دلیل از تنهایی می‌ترسیم که از تفکر، نیز از فروپاشی کلیشه‌ها و باورهای ذهنی‌مان هراسان‌ایم. کنش دیگر قهرمان داستان اما عشق و عاطفه است. او از کشتن

طبیعت در کسوت یک انسان خود را به قهرمان داستان نشان می‌دهد و فرصتی پیش‌رویش می‌گذارد تا بتواند با طبیعت در آمیزد و در تعامل و زندگی قرار گیرد؛ نشان می‌دهد که آری انسان حیوانی ناطق است و هر تعریفی از او به دست دهیم، دست آخر زاده طبیعت است. آمیزش با طبیعت سبب می‌شود فرد آرامش خویش را باز یابد و زندگی طبیعی خود را آغاز کند؛ یک زندگی سرشار از شادی، نشاط و سلامتی. این بازگشت به طبیعت بنا بهتر بگویم بازگشت به خویشتن، استعاره‌ای زیبا در قالب زندگی سنتی انسان‌ها یعنی ازدواج و فرزندآوری است؛ پدیده‌ای که امروزه در بسیاری از جوامع کنونی، حتی با تفاوت‌هایی در ایران، به دلایل گوناگون از جمله اقتصادی تقریبا در حال رنگ‌باختن است و آسیب‌هایی بسیار در حوزه‌های گوناگون شخصی و اجتماعی در پی می‌آورد.

پایان داستان؛ قهرمان پسر در آرامش درمی‌گذرد و همسرش در پیکر لاک‌پشت به آب بازمی‌گردد؛ تصویری زیبا و خیال‌انگیزا طبیعت با زمین، اصلی است که زندگی با موهبتی به ما می‌دهد. زمانی که این استعاره‌های داستان را کنار یکدیگر می‌گذاریم به خوبی و روشنی، از خودبیگانگی دنیای مدرن و انسان‌مدرن را درمی‌یابیم و بی‌می‌بریم؛ این که انسان امروز چه اندازه از اصل انسانیت و طبیعت خود دور افتاده و چه اندازه با محیط خویش در زمین بیگانه شده

است. یک تاریخ‌نگار هوشیار با دیدن این انیمه بهتر می‌تواند این «خودبیگانگی (الیناسیون)» را درک و تفهیم کند و در تفسیرهای تاریخی خود به کار بندد.

این انیمه از اسناد روز تاریخ فکری و فرهنگی ما به شمار می‌آید. این که بشر امروز درباره خویش، سرنوشت و طبیعت‌اش چگونه می‌اندیشد و خواستار چیست، نیز این اندیشه‌از چه علتی برمی‌خیزد؛ چرا آرمان‌شهری که در این انیمه تصویر می‌شود پدیدار شده است؛ چه عواملی این بیگانگی میان انسان و طبیعت را موجب شده است؟ پاسخ‌هایمان را در تاریخ باید بیابیم. سینما پرده نقره‌ای یکی از بهترین اسناد و منابع تاریخی، هم برای نگارش تاریخی، هم ترفیع سطح تفسیر و تفهیم مسائل انسانی، تاریخی و اجتماعی به شمار می‌آید؛ تنها باید با هوشمندی به سراغ آن رفت و از آن تجربه آموخت. برآن‌م تنها، مسوخ کتابخانه‌ای به کار جامعه نمی‌آید، مورخ باید خود بزید و زندگی را بیازماید، تجربه‌اندوزد و ارتباطش با جامعه، طبیعت و زمین چنان استوار و محکم باشد که بتواند حوادث و رخداد‌های هزاره‌های بشری را درک کند؛ تنها با نشستن پشت میز، نمی‌توان تاریخ نگاشت.

❖ **ویرایشی دیگر از این نوشتار در «مورخان؛ شبکه علمی تاریخ‌نگاران ایران» منتشر شده است.**